

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

میر عبدالرحیم عزیز

11/12/2008

## نادانی و التماس کرزی

حامد کرزی رئیس جمهور نظام وابسته کابل با کمال وقاحت به اوباما رئیس جمهور منتخب امریکا التماس میکند که بمباران مردم غیر نظامی را تقلیل بخشیده و جنگ را به لانه های تروریزم ببرد. دلسوزی کرزی برای مردم افغانستان نیست بلکه برای بقای خودش است. فاصله زمانی زیادی برای انتخابات تصنعی ریاست جمهوری افغانستان باقی نمانده است و افراد و سازمان های ضد ملی سر از حال صف آرائی را آغاز کرده اند. لاکن همچنان شنیده میشود که کرزی در صدد سپوتاژ انتخابات هم است اگر احساس کند که دیگر فرصتی برای انتخاب شدن ندارد. کرزی سعی میورزد که بار دیگر شاه شجاع مانند بر تخت کابل تکیه زند و برای رسیدن به هدف از انجام هیچ عمل خلاف کرامت بشری و اظهار بندگی خودداری نخواهد کرد.

کرزی تلاش دارد که محبت قوم پشتون را جلب نموده و روی این منظور فریبکارانه میخواد که اوباما را از بمباران مردم ملکی برحذر دارد و به قوم و مردم خود نشان دهد که تا چه اندازه به جان و مال آنها علاقمند است. همه میدانند که کرزی بجز بخود و منافع فامیلی اش به رفاه و سلامتی هیچ کسی دیگر نمی اندیشد. اگر همه افراد کشور قتل عام هم شوند برای کرزی و برادران کثیفش فرقی نمیکند. مقابل چشمانش، بیش از هفت سال است که امریکا و ناتو در افغانستان انسان میکشند اما این شرف باخته نتوانست که یکروز هم طور واقعی صدای اعتراض خود را بلند نماید. بخاطر داریم که ببرک کارمل در عین ذلت تاریخی قرار داشت که قتل عام مردمش بوسیله قوای وحشی شوروی يك لحظه هم وجدان انسانی او را تکان نداد تا اینکه با کمال بی عزتی که شایسته اش بود در کام مرگ رفت. کرزی هم دیر یا زود به استقبال سرنوشت سفالت بار ببرک خواهد شتافت. برای رسیدن به هدف و باقی ماندن در قدرت، کرزی به هر گونه دنانت تن در می میدهد. دوستانم از کابل گفتند که "حامد کرزی با جبهه ضد ملی تماس حاصل نموده و از اعضای آن خواسته است که از کاندیدی وی برای ریاست جمهوری حمایت کنند و کرزی هم بنوبه خود غرض برآورده ساختن خواسته آنها بشمول تغییر نظام به سیستم پارلمانی که جبهه ضد ملی به آرزوی آن است، تن در خواهد داد." برادران کرزی هم به هر سو میدوند و رشوه های کلانی به افراد مورد نظر تحویل میدهند تا پشتیبانی آنها را برای برادر خویش جلب نمایند.

تقلای کرزی برای بار دیگر مقرر شدن (بلی مقرر شدن) به حیث رئیس جمهور نظام وابسته در کابل در سطح دنیائی هم ادامه دارد. به هر سو دست و پا میزنند و عبودیت هر کشور را می پذیرد اگر این فرصت بار دیگر برایش میسر گردد. دوستان از کابل اطلاع داده اند که کرزی با تهران و مسکو مخفیانه داخل تماس شده تا حمایت ایران و روسیه را بسوی خود جلب نموده و این دو کشور را ترغیب کند که عمال داخلی شان را به نفع کرزی بسیج نمایند. کرزی درک نموده است که شاید از نظر امریکائیان افتاده باشد و احیای دوباره اش نزد امریکا يك امر ساده نخواهد بود. مطبوعات امریکا از بی کفایتی او و فساد برادرانش بار ها نوشته اند و او را بیش ازین برای امریکا شخص مفید نمی پندارند. با آنهم کرزی تا

سرحد امکان میکوشد که واشنگتن را متقاعد سازد که او مطیع است و تابع اوامر واشنگتن خواهد بود. بنابراین با بی دانی و ناهمی در سیاست داخلی امریکا، از او باما تقاضا میکند که ستراتی امریکا را در جنگ علیه تروریسم تغییر دهد.

بدون در نظر داشت موقف سیاسی و حقوقی او باما در حالت کنونی، کرزی نظر بقول بی بی سی مورخه ۶ نوامبر گفت: "اولین خواست من از رئیس جمهور امریکا این خواهد بود که در افغانستان تلفات غیر نظامی را از بین برده و جنگ را به جای ببرد که لانه های تروریسم و پرورشگاه های تروریسم است، نه در افغانستان." در جمله بالا متوجه میشویم که کرزی میگوید که اولین خواست من از "رئیس جمهور امریکا" این خواهد بود... کدام رئیس جمهور امریکا؟ بدون تردید که خطاب کرزی، او باما است، اما کرزی نمیداند که او باما هنوز رئیس جمهور امریکا نیست و هیچگونه صلاحیت هم ندارد. نظر به قانون اساسی امریکا، رئیس جمهور منتخب تا زمان حلف وفاداری فاقد صلاحیت سیاسی و حقوقی است. رئیس جمهور برحال تا آخرین دقایق ختم دوره خود از اتوریته کامل برخوردار است. کرزی بایست میگفت اولین خواست وی از "رئیس جمهور منتخب" این خواهد بود که بعد از بدوش گرفتن مسئولیت ریاست جمهوری امریکا....

لازم میدانم که درین جا يك حادثه تاریخی را به هموطنان بازگو نمایم: ریگن یکساعت قبل از ختم کارش، کلید کود مخفی فرمان استعمال اسلحه اتمی را به يك فرد مسئول داد تا آنرا به رئیس جمهور منتخب یعنی بوش (پدر جورج بوش) تحویل دهد. فرد مسئول به ریگن گفت، "آقای رئیس جمهور شما هنوز هم رئیس جمهور امریکا هستید و تا لحظات قبل از حلف وفاداری رئیس جمهور منتخب، مسئولیت هدایت و امر و نهی قوای نظامی امریکا بدوش شماست. ریگن دوباره کلید را گرفت و در جیب گذاشت." اگر کرزی به جمله پردازی های سیاسی و دیپلماتیک وارد نیست، میتواند از نماینده بادر خود یعنی سفیر امریکا طالب معلومات گردد قبل ازینکه نادانسته حرف زند و باعث خجالت و سرافکندگی مردم و کشور خود گردد (با وجودیکه میدانیم که کرزی نه شرم دارد و نه حیثیت).

کرزی با بی حیائی خواستار افزایش قوای نظامی امریکا در افغانستان گردید تا قوای متجاوز امریکا و ناتو تعداد بیشتر از خواهران و برادران او را بکشند تا خودش و برادرانش ازین کشتار هالذت ببرند و چند روزی دیگر هم بر تخت کابل تکیه کنند و ثروت کشور را به یغما ببرند. کرزی با هراس از قهر آتشین ملت که روزی او و برادران دزد و بی فرهنگ اش را بریان خواهد کرد، از بیگانگان مدد می جوید و طالب کمک میشود. اکنون بیگانگان میدانند که سرمایه گذاری بر افرادی مانند کرزی بیش ازین ارزش خواهد داشت.

در اخیر به کلیه هموطنان یادآور میشوم که آمدن او باما برای افغانستان خوشبختی بار نمی آورد. او رئیس جمهور امریکا خواهد بود نه افغانستان. او حامی منافع امریکا خواهد بود نه حامی منافع افغانستان. لذا دلپستن به يك رهبر کشور اجنبی و یا ستایش کردن از او گناه نا بخشودنی محسوب میگردد. وطنفروشانیکه برای بوش شادمانی و هلله میکردند، حالا بسوی او باما رو می آورند و او را ناجی خود میدانند. این روش خائنین است، نه راه مهین دوستان